

مادر کیان: ماموران شلیک کرده اند

عموي کیان پیرفلک، قربانی 9ساله ایزه‌ای در گفتوگو با «اعتماد» از ویژگی‌های کیان و جزییات حادثه قتل او می‌گوید

ابهام‌های قتل کودک ایزه‌ای

دستگاه‌های مسوول: کیان در حمله تروریستی کشته شده است مادر کیان: ماموران شلیک کرده اند

مهدی بیک‌اوغلی

هرچند فاصله شلیک گلوله‌ها، به پرواز درآمدن‌شان و نوسان در فضا تا اصابت به اهداف در کسری از ثانیه‌هاست، اما تاثیر این نوسان و پرواز و اصابت به اندازه یک عمر روح و روان خانواده‌ها و عزیزان‌شان را درگیر می‌کند. مانند رگباری از گلوله‌های سخت که شامگاه چهارشنبه 25آبان‌ماه از اسلحه‌ای در ایزه استان خوزستان خارج شد و در میان بهت و حیرت بر پهلو کیان 9ساله و میثم پدرش نشست و ایرانی را در بهت و اندوه فرو برد. گلوله‌هایی که باعث شدند کیان به آسمان‌ها پر بکشد و پدر با زخم‌هایی بر پیکر راهی بیمارستان شود. از ابتدای وقوع این حادثه اما روایت‌های مختلفی در خصوص چگونگی شکل‌گیری آن منتشر شد. در یک سوی ماجرا رسانه‌های حاکمیتی مانند فارس، تسنیم، ایرنا و مشرق‌نیوز قرار داشتند که اعلام کردند این رخداد حادثه‌ای تروریستی است که توسط داعش برنامه‌ریزی شده است و در نقطه مقابل زینب مولایی راد، مادر کیان و شاهد عینی ماجرا که اعلام می‌کند ماموران به سمت آنها آتش گشوده‌اند. خبرگزاری فارس در تایید روایت تروریستی بودن ماجرا

نوشت: «شواهدی از قبیل اظهارات افراد حاضر در میدان، فیلم‌های دوربین مدار بسته که دقیقی قبل از حادثه موتورسوارهای مسلح را در حال تیراندازی به دوربین‌ها برای از کار انداختن آنها نشان می‌دهد و اطلاعات اولیه از بازداشت‌شده‌هایی که گفته شده در حین فرار از مرز دستگیر شده‌اند بر تروریستی بودن عملیات گواهی می‌دهد.» این خط خبری در تمام طول روز پنجشنبه دنبال شد، اما از ظهر جمعه زمزمه‌هایی از روایتی متفاوت نیز شنیده شد. ابتدا داعش اعلام کرد هیچ ارتباطی با این حادثه نداشته و پس از آن زینب مولایی‌راد، مادر کیان در مراسم تشییع پیکر کیان اعلام می‌کند که گلوله‌ها از اسلحه ماموران شلیک شده است. خبرگزاری فارس روایت مادر کیان را این‌طور بازتاب می‌دهد: «خانم مولایی مادر کیان معتقد است فرزندش را ماموران کشته‌اند. او می‌گوید ماموران برای امنیت‌شان به آنها توصیه کرده‌اند که به سمت اغتشاشگران نروند و هنگامی که دور زدند همان‌ها به ماشین‌شان تیراندازی کرده‌اند.» سجاد پیرفلک عموی کیان اما در جریان گفت‌وگوی اختصاصی با «اعتماد» در پاسخ به این پرسش که چه افرادی به سمت خودروی حامل خانواده پیرفلک آتش گشوده‌اند به اظهارات زینب مولایی‌راد مادر کیان اشاره می‌کند و آن را روایت مستند فردی می‌داند که در بطن ماجرا حضور داشته است. اظهاراتی توسط مادر کیان که نشان می‌دهد گلوله‌ها توسط ماموران شلیک شده و باعث فوت کیان و زخمی شدن پدرش شده است. عموی کیان در ادامه این گفت‌وگو در پاسخ به این پرسش که چرا پیکر کیان پس از فوت او در یخ قرار داده شده، گفت: «باتوجه به اینکه خانواده و اقوام شنیده بودند پیکر برخی کشته‌شدگان رخدادهای اخیر به خانواده‌های شان تحویل داده نشده، اقوام و خویشان، پیکر کیان را به روستای پدری ما برده و در یخ قرار می‌دهند تا کسی پیکر کیان را نرباید.» سجاد پیرفلک خواسته خانواده پیرفلک را شناسایی قاتلان و ضاربان و مجازات آنها می‌داند. او در خصوص ویژگی‌های شخصیتی کیان به آرزوهای او برای آبادانی وطن و بهبود در وضعیت زندگی اشاره می‌کند و از واکنش کیان به رخدادهای اخیر سخن می‌گوید.

ماجرای کیان پیرفلک و خانواده‌اش، این روزها همه ایرانیان را در غم و اندوه و بهت و حیرت عمیقی فرو برده است، روایت‌های مختلفی هم در خصوص واقعیت رخ داده در ایذه منتشر می‌شود. برخی رسانه‌های دولتی اعلام کردند که پای گروه‌های تروریستی در میان است، اما مادر کیان امروز (جمعه) موضوع را به رخدادهای اعتراضی اخیر ربط داده، به عنوان عموی کیان می‌فرماید، اصل موضوع چیست؟ کسی تیرانداز را دیده است؟

من عموي كيان پيرفلك هستم، كودكي كه قرباني شد، برادر پدري كه به خون نشست و خويشاوند خانواده‌اي كه عزادار شده است. از زمان تيراندازي تا به امروز همراه برادرم در بيمارستان اهواز هستم، بنا بر اين شخصاً از نزديك تيراندازي را ندیده‌ام، آنچه به شما مي‌گويم؛ روايت‌هايي است كه از مادر كيان شنیده‌ام. حتماً مي‌دانيد امروز (جمعه) تشييع جنازه كيان برگزار شد و مادر كيان (زينب مولايپراد) به عنوان فردي كه دقيقاً در صحنه حادثه حضور داشته در جمع هزاران نفر از مردم به صورت شفاف توضيح داده كه چه اتفاقي براي كيان، پدرش و كل خانواده افتاده است. صحبت‌هاي مادر كيان تمام ابعاد پنهان موضوع را نمايان مي‌كند، شما هم مي‌توانيد به آن استناد كنيد. وقتي مادرش آمده مقابل چند هزار نفر جزييات ماجرا را تعريف كرده، حرف ديگري باقي نمي‌ماند. مادر كيان عنوان كرد: «به شوهرم گفتم خيابان‌ها شلوغ است، بيا از كمربندي برويم. رسيديم جلوي هلال‌احمر، نيروهاي امنيتي با لباس گاردي يکطرف ايستاده بودند و نيروهاي لباس شخصي روبه‌روي‌شان و در طرفي ديگر. يکيشان داد زد برگرد. كيان گفت بابا، اين دفعه را به پليس‌ها اعتماد كن و برگرد. ميثم [پدر كيان] درجا دور زد اما ماشين را به رگبار بستند.» اين روايت شفاف‌ي از لحظه وقوع حادثه است.

برخي رسانه‌هاي دولت اما اعلام كردند، نيروهاي يگان ويژه به خانواده پيرفلك هشدار دادند كه اينجا نايستيد و خانواده به اين هشدارها توجه نكردند و سپس فاجعه شكل گرفته است؟ اين روايت را تا ييد مي‌كنيد؟

بر اساس صحبت‌هاي همسر برادرم (مادر كيان)، كل اتفاق در چند دقيقه شكل گرفته، گروه‌ي از ماموران به آنها مي‌گويند اين طرف نرويد و از آنها مي‌خواهند از مسير ديگري بروند، خانواده به اين راهنمايي يگان ويژه اعتماد مي‌كنند و به سمتي كه آنها خواسته بودند، مي‌روند. بعد خودروي آنها به رگبار بسته مي‌شود. يقين بدانيد مادري كه اين‌گونه صحبت مي‌كند، دقيق و با جزييات كامل موضوع را شرح مي‌دهد.

يكي ديگر از ابهامات ماجرا به نحوه نگهداري پيكر كيان بازمي‌گردد، چرا خانواده، پيكر كيان را تحويل ندادند و در يخ نگه داشتند؟

زمان‌ي كه در بيمارستان مشخص شد، كيان به قتل رسیده، با توجه به اينكه، خانواده و اقوام شنیده بودند پيكر برخي كشته‌شدگان رخداده‌ي اخير به خانواده‌هاي‌شان تحويل داده نشده است، پيكر كيان را به روستاي پدري ما برده و در يخ قرار مي‌دهند تا كسي پيكر كيان را نربايد. در مرحله بعد برخي آشنايان، اقوام و افراد طايفه كه

با برخی نهادها در نظام ارتباط داشتند، وساطت کرده و تضمین دادند که پیکر کیان را تحویل خانواده می‌دهند؛ این افراد نهایتاً هم به قولشان عمل کردند.

خبري هم در خصوص وجود يك بچه خردسال که برادر کیان بوده در خودروي خانواده پير فلك منتشر شده. حال اين كودك خردسال چطور است؟

این كودك خردسال رادین 3ساله، برادر کیان است. رادین به اتفاق مادرش در سمت صندلي شاگرد نشسته بودند؛ در واقع تیرهایی که شلیک میشود از سمت راننده برخورد می‌کنند. کیان هم که در سمت راننده نشسته بود، تیرها به پهلوهای او اصابت می‌کنند... من نزدیک 30ساعت است که اصلاً نخوابیده‌ام، بعداً فیلم‌های فاجعه را دیدم و متوجه شدم که روایت صحیح همانی است که مادر کیان مطرح می‌کند. خوشبختانه نه رادین و نه مادرش تیر نخوردند. از سوی دیگر هم، کیان فوت کرد و پدرش هم در بیمارستان است.

در حال حاضر حال پدر کیان چطور است؟

وضع عمومی‌شان خوب است و خطر مرگ برطرف شده است، چندین عمل دشوار را پشت سر گذاشته و خوشبختانه توانسته‌اند تبعات حادثه را پشت سر بگذارند. با تلاش‌های پزشکان از نظر فشار و... حالشان مطلوب است. پزشکان و پرسنل بیمارستان اهواز خیلی زحمت کشیدند تا وضعیت پدر کیان نرمال شود، فقط يك شکستگی عمیق در لگن‌شان دارند که امیدواریم آن‌هم بهتر شود.

برخی رسانه‌های دولتی اعلام می‌کنند که گروه‌های تروریستی در شهر ایزه حضور دارند. واقعا این‌طور است؟

من واقعا حضور میدانی در شهر نداشتم که بخواهم به این پرسش شما پاسخ دهم، می‌توانم آن چیزی که در دلم است و همه از آن با خبر هستند را تشریح کنم، اما چون از نزدیک و شخصا حوادث را ندیده‌ام، ترجیح می‌دهم حرفی نزنم. داغ ما آنقدر سنگین است که نمی‌توانیم روی مسائل دیگر تمرکز کنیم. درباره این بحث که کی بوده، کی شلیک کرده و چه کسی مسوول است؟ باید استناد کنیم به حرف‌های مادر کیان که در صحنه حاضر بوده و از نزدیک این فاجعه را حس کرده است. من نه روایت رسمی را به چشم دیده‌ام و نه روایت مخالف را.

شما وقتی با مادر کیان صحبت کردید درباره جزییات حادثه چیزی به شما گفتند؟

بله، اما من بنا به دلایل مختلف نمی‌توانم در این زمینه صحبت کنم. نه به دلیل ترس و فشار و... بلکه به این دلیل که فرد ذی‌حق در این خصوص مادر کیان است، با توجه به اینکه من شاید نتوانم حس واقعی این فاجعه را منتقل کنم، تنها مادرش است که حق دارد (و می‌تواند)

در این خصوص صحبت کند. دغدغه ما امروز زنده ماندن برادرم است. رسانه‌ها هم باید صحبت‌های مادر کیان را منعکس کنند، چرا که واقعیت همانی است که او می‌گوید. در کل خانواده ما درگیر رخدادهاي اخير نبوده و ناخواسته ما را به این ورطه کشانده‌اند.

در حال حاضر خواسته خانواده شما از مسوولان چیست؟

تنها درخواست ما، این بوده که فرد یا افراد ضارب و قاتلان شناسایی شوند و به مجازات عمل خود برسند. اگر خائني وجود داشته، ماموري بوده، تروريستي بوده و... باید شناسایی شود و به سزاي عمل خود برسد. بالاخره يك خوني به ناحق ريخته شده و ما خواستار مجازات عوامل این رخداد تلخ هستیم.

ارتباط شخصي شما با کیان چطور بود؟ درباره شخصیت کیان توضیح

می‌دهید؟

کیان با همه ارتباط نزدیکی داشت. به لحاظ شخصیتی بدون اینکه بخواهم اغراق کنم، بچه متفاوتی بود. روح بزرگ و قلب مهربانی داشت، همه فامیل و آشنایان او را دوست داشتند. در همین سن نقاشی می‌کشید، از آرزوهایش صحبت می‌کرد و مانند بسیاری از هم‌نسلانش، رفتارش بزرگ‌تر از سنش بود. کیان از همان نسلی است که رویاهای بزرگی داشته و دارند. ضریب هوش بالایی داشت، نفر اول تیم رباتیک ایزه بود. مادر کیان معلم خوشنام هنر است و همه زندگی‌اش را صرف تربیت درست و متفاوت کیان کرده بود. کیان در این سن کارهای زیادی برای محیط زیست انجام می‌داد، حقوق شهروندی را درک و رعایت می‌کرد و به هنر عشق می‌ورزید، به فردیت و حریم شخصی افراد احترام می‌گذاشت و... تصورم از شخصیت کیان پیرفلک این است که او نماینده و معرف نسلی است که می‌شد به آنها امید داشت که بتوانند ایران را آباد و آزاد سازند. برخلاف نسل ما که درگیر ایدئولوژی بودیم، کیان و هم‌نسلانش آگاهی بالایی نسبت به رخدادهاي پیرامونی و اجتماعی داشتند. در ایرانی آباد و آزاد، این نسل می‌توانند توسعه را محقق سازند. همه این موارد را مادر کیان که شخصیت والایی دارد در وجود این پسر نهادینه ساخته بود.

آخرین دیدار شما با کیان مربوط به چه زمانی است؟

من قصد داشتم در همین ماه عروسی کنم (صدای سجاد بغض‌آلود است) کیان در آخرین ارتباطمان (2 روز قبل از فوتش) به من پیغام داده بود که به عمو بگویید: «می‌خواهم، لباس محلی بختیاری برای عروسی‌اش بگیرم و...» (بغض عموی کیان می‌شکند و اشک‌هایش با صدای هق و هق برای دقایقی سرازیر می‌شود) ...

خواسته شما از جامعه و رسانه‌ها چیست؟

طی روزها و ساعات اخير رسانه‌هاي زيادي از ما خواسته بودند، صحبت

کنیم، چون شما گفتید از روزنامه اعتماد و از رسانه داخلی هستید با شما صحبت کردم. در دوران دانشجویی رسانه شما را میشناختم، توقعم این است که هر آنچه گفتم، همان را عیناً منعکس کنید.

کیان هیچوقت درباره رخدادهای اعتراضی اخیر صحبت کرده بود؟ نظری درباره مطالبات هم نسلانش داشته است؟

کیان نقاشی میکشید و نظراتش را اینگونه بازتاب میداد. همانطورکه توضیح دادم، آگاهی فراوانی هم داشت، يكبار به من گفت که نقاشی کشیده و نسبت به مسائل روز واکنش نشان داده است. فرصت نکردم نقاشی او را تماشا کنم اما اگر به من بگویند که کیان در قالب نقاشی به رخدادهای اخیر واکنش نشان داده و قهرمانان رخدادهای اخیر را تصویرسازی کرده، تعجب نمیکنم.

در پایان صحبتی دارید؟

امیدواریم به خدا و چشم دوخته‌ایم به مهربانی مردم و همتی در درون نظام برای اینکه قاتلان کیان و ضاربانش را شناسایی کند. باور دارم به حقیقت، به عدالت و به خون مظلومانی که نهاد ظالمان را بر باد میدهد... کیان و مادر و پدرش آنچنان مظلوم هستند که مطمئنم خونشان پایمال نمیشود. هیچ فرد، گروه و جریانی نمیتواند از زیر بار این خون (و خون همه مظلومان) فرار کند. از منظر متافیزیکی و معنوی، اگر زمین از این خون به زمین ریخته شده و سایر خونهای بیگناهان به آسمان فریاد بزنند، نباید تعجب کرد. ما چشم‌انتظار آینده‌ایم...

باز هم از طرف مجموعه رسانه‌های «اعتماد» به شما، مادر و پدر کیان و همه اقوام و خویشان و مردم ایذه تسلیت می‌گوییم و همگی امیدواریم که مسببان این خون‌شناسایی شده و پاسخگویی اعمال خود شوند.

روایت مادر کیان از روز حادثه

مراسم خاکسپاری کیان پیرفلک کودک 9ساله ایذه‌ای که شامگاه چهارشنبه به قتل رسید، روز گذشته با حضور جمع کثیری از مردم ایذه و سایر شهرهای خوزستان برگزار شد. زینب مولایی‌راد مادر کیان پیرفلک، روز جمعه در مراسم خاکسپاری کیان، جزییاتی در خصوص روز ماجرا و نحوه به قتل رسیدن فرزندش و زخمی شدن همسرش ارایه کرد. خبرگزاری فارس در خصوص اظهارات مادر کیان نوشت: مولایی‌راد کیان معتقد است فرزندش را ماموران کشته‌اند. او می‌گوید ماموران برای امنیت‌شان به آنها توصیه کرده‌اند که به سمت اغتشاشگران نروند و

هنگامی که دور زدند همان‌ها به ماشین‌شان تیراندازی کرده‌اند. دیروز همچنین مادر کیان پیرفلک کودک 9ساله کشته شده در ایذه، عکسی غم‌انگیز از کودکش را در صفحه اینستاگرام منتشر کرد و نوشت: «با لباس چه کنم، رووود...»

زینب مولایی‌راد، مادر کیان پیرفلک:

- به شوهرم گفتم خیابان‌ها شلوغ است، بیا از کمربندی برویم. رسیدیم جلوی هلال‌احمر، نیروهای امنیتی با لباس گاردی یل‌طرف ایستاده بودند و نیروهای لباس شخصی روبه‌روی‌شان و در طرفی دیگر. یکی‌شان داد زد برگردید. کیان گفت بابا، این دفعه را به پلیس‌ها اعتماد کن و برگرد. میثم [پدر کیان] درجا دور زد اما ماشین را به رگبار بستند.

- دو دقیقه قبل تیراندازی به بچه‌ها گفتم بروید زیر صندلی، بچه کوچکم زیر داشبورد بود اما کیان زیر صندلی جا نشد. به ماشین تیر زدند. همسرم فریاد زد که فهمیدم تیر خورده. در را باز کردم، گفتم آقا نزنید، زن و بچه داخل ماشین هستند.

- نگویند کسی که شلیک کرده تروریست بوده است. همان‌ها که به بچه‌ام تیر زدند و خودروی ما را به رگبار بستند، همان‌ها هم فرزند کوچک‌ترم را بردند داخل هلال‌احمر.

منبع: روزنامه اعتماد 28 آبان 1401 □□□□□□